

بررسی ابعاد ژئوپلیتیکی انعقاد قرارداد استعماری ۱۹۱۹

۲ آبان ۱۳۹۵ ساعت ۲۲:۳۳

انگلستان برای ارتقای وزن ژئوپلیتیکی خود، سعی داشت با تحمیل قرارداد استعماری ۱۹۱۹، عملاً ایران را به تحت‌الحمایه خود تبدیل نموده و گوی سبقت را از سایر رقیبان ربوده و پیش‌تاز تحولات سیاسی ایران باشد. نتیجه نهایی این قرارداد چیزی به غیر از تثبیت نفوذ همه جانبه انگلیس نبود.

جوان و تاریخ- مقالات

نظام نوپای مشروطیت ایران، با تحولات سیاسی و نظامی مختلفی روبرو گردید. در صحنه داخلی ظهور پادشاهی مستبد نظیر محمدعلی شاه که حتی ابایی از به توپ بسته شدن مجلس هم نداشت و در عرصه خارجی تحولاتی نظیر شروع جنگ جهانی اول و تشدید رقابت‌های استعماری متأثر از تحولات میدانی جبهه‌های نبرد، تهاجم نیروهای انگلیسی و روسی به ایران، وقوع انقلاب کمونیستی در روسیه در سال پایانی جنگ و مجموعه‌ای از عوامل مختلف سبب ارتقای جایگاه ایران در استراتژی استعماری امپراطوری بریتانیا گردید. از اینرو انگلستان برای ارتقای وزن ژئوپلیتیکی خود، سعی داشت با تحمیل قرارداد استعماری ۱۹۱۹، عملاً ایران را به تحت‌الحمایه خود تبدیل نموده و گوی سبقت را از سایر رقیبان ربوده و پیش‌تاز تحولات سیاسی ایران باشد. نتیجه نهایی این قرارداد چیزی به غیر از تثبیت نفوذ همه جانبه انگلیس نبود.

قرارداد ۱۹۱۹ و ارتقای وزن ژئوپلیتیکی انگلیس در ایران

بدون شک حفاظت و حراست از استقلال ملی و حفظ موجودیت و تمایت ارضی ایران در کنار سایر آرمانهای مشروطیت از جمله عدالت طلبی، مبارزه با ظلم، قانونمداری و... دغدغه اصلی و اساسی مشروطه طلبان بود و در این مسیر تجهیز ایران به ارتشی مستقل و مدرن را از زمینه‌های اصلی تحقق آرمانهای مشروطیت می‌دانستند؛ ارتشی که بتواند با صف آراییی در مقابل قدرتهای استعماری، حافظ موجودیت و تمامیت ارضی ایران باشد.^[۱] اما دو قدرت استعماری مسلط در ایران- انگلیس و روسیه- در روند نوسازی ارتش ایران کارشکنی نموده تا از استقرار یک ارتش قوی و مجهز در ایران جلوگیری نمایند. در بعد سیاسی هم دو کشور با گرفتن امتیازهای اقتصادی در رقابت با یکدیگر، عملاً توسعه روند اقتصادی در ایران را با اختلال مواجه نمودند و حتی از نابودی آرمانهای مشروطیت در زیر چکمه‌های استبداد محمدعلی شاه حمایت نمودند.^[۲] دو کشور حتی با انعقاد قرارداد پنهانی ۱۹۰۷ در سن پترزبورگ روسیه و تقسیم ایران به حوزه‌های نفوذ و مورد

علاقه خود^[۳]، عملاً نشان دادند که در راهبردهای کلان آنها، استقلال و حاکمیت ایران محلی از اعراب ندارد و وجود یک دولت مرکزی بی خاصیت و البته مطیع و وابسته نسبت به سیاستهای استعماری آنها، مطلوبیت دارد. آنها حتی در این مسیر از تشکیل قوای نظامی وابسته به خود نیز ابایی نداشتند. روسها بریگارد قزاق را در شمال ایران تقویت نمودند و انگلیسی ها نیز با تشکیل پلیس جنوب، گامهای بلندی در تثبیت حاکمیت و نفوذ خود بر ایران برداشتند.

تحولات داخلی، منطقه ای و بین المللی دو دهه اول قرن بیستم نظیر وقوع جنگ جهانی اول، پیروزی مشروطه طلبان و تضعیف سلطنت طلبان طرفدار قدرتهای استعماری، نفوذ آلمانها به ایران به عنوان قدرت رقیب انگلستان، وقوع انقلاب کمونیستی در روسیه (۱۹۱۷)؛ مجموعه عواملی بودند که انگلستان را برآن داشت تا به کمک برخی از سیاستمداران آنگلو فیل ایرانی زمینه های تثبیت نفوذ خود در ایران را با انعقاد قرارداد استعماری ۱۹۱۹ فراهم نمایند.^[۴] سرپرسی سایکس مامور انگلیسی که وظیفه تشکیل پلیس جنوب در سال ۱۹۱۶ میلادی / ۱۲۹۵ شمسی نیز به او واگذار شده بود؛ از دولت انگلستان به عنوان همسایه سخاوتمند ایران یاد می کند، که حاضر است در شرایط سخت آن دوران، به ایران کمک نماید.^[۵] مقامات ایرانی نیز به دلیل شرایط بی ثباتی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران سعی نمودند برای جلب حمایت انگلیس، سیاستمدار طرفدار انگلیس، وثوق الدوله را مامور تشکیل کابینه نمایند. از طرف دیگر، بریتانیا با اعزام یک فرد نظامی به عنوان سرپرسی سایکس به عنوان نماینده تام الاختیار خود در ایران، نشان داد که تحت هیچ شرایطی حاضر به از دست دادن قدرت و نفوذ خود در ایران نیست. سایکس در گفتگو با مقامات ایرانی با گستاخی تمام می گفت: «حالا که ما با شکست دادن آلمان و روسیه توانسته ایم استقلال شما را نجات دهیم، حرف زیادی را باید موقوف کنید و هرآنچه را که می گوئیم کمی کم و کاست به کار ببندید.»^[۶] سرانجام با انتصاب لرد کرزن به عنوان کفالت وزارت خارجه امریکا در ایران، مقدمات انعقاد و پیش نویس قرارداد استعماری بین وثوق الدوله، سرپرسی سایکس و لرد کرزن فراهم شد. اما به دلیل ترس از واکنش مردم و جامعه مذهبی ایران نسبت به ماهیت و روح استعماری و تحت الحمایگی ایران در نتیجه انتشار این قرارداد، انگلیس با مهندسی انتخابات مجلس چهارم و انتخاب نمایندگان طرفدار انگلیس و نسخت وزیر وثوق الدوله و اعزام احمدشاه قاجار به سفر اروپا، تمامی موانع تصویب این قرارداد را از سر راه برداشت.^[۷] البته همزمان، انگلیسی ها با کاربست سیاست چماق و هویج تمامی مخالفان این قرارداد را از سر راه خود برداشتند. در مجموع عوامل و متغیرهای ذیل سبب شد تا انگلستان در انعقاد ایران قرارداد عزم جدی و راسخی داشته باشد. الف) ترس از نفوذ مرام کمونیستی در شمال ایران و تثبیت نظامی و ایدئولوژیک کمونیستها در مناطق شمالی ایران، ب) تلاش رقبای منطقه ای انگلیس نظیر آلمان در جهت نفوذ در ایران. مقامات انگلیس جهت پاسخگویی به هنگام در برابر این چالشها، با تصویب قرارداد ۱۹۱۹، تلاش نمودند به طور همزمان راهبردهای ذیل را از کانال این قرارداد عملیاتی نمایند. الف) تشکیل و تقویت پلیس جنوب و تفنگداران مزدور دیگر به عنوان محور؛ ب) تلاش در جهت تضعیف و انحلال ژاندارمری و نیروهای نظامی مستقل دیگر^[۸]، ج) به خدمت درآوردن نیروهای متمایل به خود (طایفه ها و شخصیت ها)، د) سرکوبی ایلات و عشایر ملی و میهن دوست، ه) وابسته ساختن قشون از نظر بودجه تخصصی، کاردانی اسلحه و مهمات، و) مستقر کردن دولت متمرکز و نیرومند در پیوند با ارتش در چارچوب وابستگیها.^[۹]

باتوجه به ابعاد استعماری این قرارداد، وثوق الدوله در ضمیمه محرمانه قرارداد شرط کرده بود که اگر مخالفتی نسبت به این قرارداد صورت گیرد و منجر به سقوط دولت وی شود؛ مقامات انگلیسی معتمد باشند (وثوق الدوله، نصرت الدوله فیروز و اکبر میرزا

صارم الدوله) را در یکی از مستملکات خود به عنوان پناهنده سیاسی بپذیرد و به هریک از آنها در طول مدت تبعید و پناهندگی، حقوقی برای عایدات شخصی آنها در ایران پرداخت شود که بتوانند بقیه عمر را در رفاه و بی‌نیازی به سربرند.» همچنین در جهت تسهیل امضای قرارداد، وزیر مختار انگلیس در ایران متعهد شد مبالغی به شرح ذیل به وزیران دست اندرکار پرداخت نماید. نخست وزیر (و ثوق الدوله) ۲۰۰/۲۰۰ تومان، وزیر خارجه (فیروز میرزا نصرت الدوله) ۱۰۰/۱۰۰ تومان، وزیر دارایی (اکبر میرزا صارم الدوله) ۱۰۰/۱۰۰ تومان. [۱۰] اما اوضاع آنطور که انگلیسیها پیش بینی کرده بودند، پیش نرفت و قرارداد ۱۹۱۹ با موانع جدی و محکمی روبرو گردید. به نظر می‌رسد انگلیسیها در تحلیل شرایط حاکم بر قرارداد دچار اشتباه محاسباتی شدند. اول اینکه ارزیابی صحیحی از واکنش و مخالفت مردم ایران را نداشتند. دوم اینکه قرارداد، واکنش شدید آمریکا و فرانسه را نسبت به انعقاد قرارداد پیش‌بینی نکرد، اما مهم‌تر از آن این بود که انتظار نداشت روسها هم با همه گرفتاریهای ناشی از وقوع انقلاب کمونیستی ۱۹۱۷ بتوانند در علیه این قرارداد واکنش موثری انجام دهند. [۱۱] انگلیس خیلی مغرورانه سعی داشت با روی کار آوردن دولت به ظاهر «نیرومند» و ثوق الدوله با وزیران وابسته، «تحت الحمایگی مستور» ایران، را رقم بزنند. در میان رجال سیاسی کشور، مرحوم شهید مدرس تنها ترین فردی باشد که از ابتدای مطرح شدن این قرارداد، با بصیرت و قاطعیت در مقابل انعقاد این قرارداد به مخالفت برخاست. البته نقش سایر مراجع و روحانیت شیعی را نیز در رهبری و روشنگری مخالفت‌های مردمی نباید نادیده گرفت. شهید مدرس در جریان مبارزات خود، خطاب به و ثوق الدوله می‌گوید: «و ثوق الدوله را حالی نمایید. من کار خودم را می‌کنم و شما کار خودتان را؛ لیکن من موفق می‌شوم و شما متضرر خواهید شد. اگر قرارداد لغو شود، همیشه متضرر و منفور و از سیاست دور خواهید شد و اگر قرارداد عملی شد و انجام گرفت دیگر انگلیس به شما کاری ندارد و برای رضایت ملت ایران شما را فدا خواهد نمود.» [۱۲] بعدها روی کار آوردن رضاخان در نتیجه کودتای انگلیسی سوم اسفند ۱۲۹۹ نشان از تغییر سیاست انگلیس در قبال ایران بود که در نتیجه آن با استمرار سلطنت پدر و پسر پهلوی، منافع استعماری و امپریالیسم انگلیسی برای مدت ۵۳ سال در ایران تامین شد. [۱۳]

پی نوشتها

[۱] [کامبیز امیراسمی](#)، بررسی قرارداد ۱۹۱۹ با تکیه بر نقش مخالفان قرارداد، مجله تاریخ نو، پاییز ۱۳۹۴، شماره ۱۲

[۲] روسیه با حمایت مستقیم و علنی از به توپ بسته شدن مجلس و انگلیس با سکوت معنادار در برابر این حادثه، عملاً خشنودی خود را از این واقعه نشان دادند.

[۳] در این قرارداد، شمال ایران تحت نفوذ روسیه، جنوب ایران تحت سلطه انگلیس و بخش مرکزی متعلق به دولت مرکزی و به اصطلاح منطقه بی طرف معین گردید.

[۴] محمدجواد شیخ الاسلامی، سیمای احمد شاه قاجار، تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۶

[۵] «نافرجامی تحت الحمایگی ایران در نظام مشروطیت (تحلیل قرارداد ۱۹۱۹)»، پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران، مندرج در:

<http://mashrootiat.pchi.ir/show.php?page=contents&id=۱۷۵۴۱>

[۶] یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی (خاطرات حاج میرزا...)، تهران، نشر عطار، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۸-۹۷

[۷] برای آگاهی از چگونگی نگارش قرارداد و ضمیمه‌های آن و جلب رضایت سفر احمد شاه ن ک: محمدجواد شیخ الاسلامی، سیمای احمد شاه قاجار، پیشین، فصل ششم.

[۸] حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، جلد اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸، ص ۵۰

[۹] برای مطالعه بیشتر ر. ک: ویلیام جیالسون، «چگونگی تکوین قرارداد انگلیس و ایران»، تاریخ معاصر ایران کتاب سوم تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰

[۱۰] حسین مکی، پیشین، ص ۵۰

[۱۱] محمدجواد شیخ الاسلامی، پیشین، ص ۱۹۴

[۱۲] برای مطالعه بیشتر ر. ک: علی مدرسی، مدرس، تهران، انتشارات بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۶۶

[۱۳] سیروس غنی، ایران برآمدن رضاخان برافتادن قاجار نقش انگلیسیها، ترجمه حسن کامشاد، تهران، انتشارات نیلوفر، چاپ سوم، ۱۳۸۰، صص ۱۰-۱۲

